

## صفات

صفات کلماتی هستند که کیفیت و چگونگی افراد، اشیاء، مکانها و ... را بیان می‌کنند. صفت تنها یک حالت دارد؛ یعنی اینکه با اسم مفرد یا جمع، مذکر یا مؤنث بطور یکسان بکار می‌آید:

- a **young** man/woman
- **young** men/women

اما تنها موارد استثناء، صفات **this** و **that** می‌باشند که پیش از اسامی جمع به **these** و **those** تبدیل می‌شوند:

this book - **those** books, that boy - **those** boys

## مکان صفات

صفات می‌توانند در موقعیت‌ها و جاهای مختلفی در یک جمله ظاهر شوند که در زیر به مهمترین این موقعیت‌ها اشاره می‌شود:

۱- قبل از یک اسم:

a **good** man, an **old** car, the **green** carpet

گاهی پیش از یک صفت، اسمی را توصیف می‌کنند:

a **good young** man, the **beautiful green** carpet

۲- پس از فعل **be**:

- You **are beautiful**. (شما زیبا هستید.)
- She **is fat**. (او چاق است.)
- The bus **is late**. (اتوبوس تاخیر دارد.)

بجز فعل **be**، افعال دیگری نیز مانند **look**، **seem** و **become**، **stay** می‌توانند قبل از صفت قرار بگیرند:

- It **looks interesting**. (جالب به نظر می‌رسد.)
- It **is becoming sunny**. (هوا دارد آفتابی می‌شود.)

۳- پس از **the**، که در این صورت کلمه اصلی یک عبارت اسمی محسوب می‌شود:

- **the young** جوانان
- **the old** پیران
- **the dead** مردگان
- **the English** انگلیسی‌ها

(برای کسب اطلاعات بیشتر به [موارد کاربرد حرف تعریف معین \(the\)](#) مراجعه کنید.)

۴- بعد از برخی افعال، یک صفت می‌تواند به دنبال مفعول بیاید:

| فاعل          | فعل        | مفعول    | صفت     |
|---------------|------------|----------|---------|
| She           | kept       | her past | secret. |
| The noise     | is driving | me       | mad.    |
| I             | consider   | myself   | lucky.  |
| Her behaviour | made       | him      | angry.  |

### ترتیب صفات

می‌دانیم که صفات معمولاً قبل از اسم می‌آیند، اما اگر بیش از یک صفت اسمی را توصیف کنند، در اینصورت صفتها معمولاً به ترتیب خاصی قرار می‌گیرند. هر چند ترتیب قرار گیری صفتها پیش از یک اسم همیشه ثابت نیست، اما جدول زیر به شما کمک می‌کند تا نحوه‌ی جاگیری کلی آنها را یاد بگیرید:

|       | 1<br>بیان عقیده<br>یا احساس | 2<br>اندازه | 3<br>سن | 4<br>رنگ | 5<br>ملیت | 6<br>جنس |        |
|-------|-----------------------------|-------------|---------|----------|-----------|----------|--------|
| a     | beautiful                   |             |         | yellow   |           |          | flower |
| that  | handsome                    |             | young   |          | Indian    |          | nurse  |
| those |                             | big         |         |          |           | wooden   | tables |
| an    |                             |             | old     | white    | Persian   |          | cat    |

### صفات تفضیلی و عالی

بیشتر صفتها می‌توانند هر دو حالت **تفضیلی** (با افزودن -er یا more) و **عالی** (با افزودن -est یا most) را داشته باشند. در ادامه نحوه ساخت هر دو حالت را خواهید آموخت.

|                | تفضیلی                | عالی                        |
|----------------|-----------------------|-----------------------------|
| large بزرگ     | larger بزرگتر         | the largest بزرگترین        |
| tall بلند      | taller بلندتر         | the tallest بلندترین        |
| beautiful زیبا | more beautiful زیباتر | most beautiful the زیباترین |

#### ۱- نحوه ساخت صفات تفضیلی:

الف- با افزودن -er به انتهای صفات یک هجایی:

old, older

bright, brighter

ب- با افزودن **more** به ابتدای صفات چند هجایی:

difficult, more difficult

interesting, more interesting

۲- نحوه ساخت صفات عالی:

الف- با افزودن **-est** به انتهای صفات یک هجایی

old, oldest

bright, brightest

ب- با افزودن **the most** به ابتدای صفات چند هجایی:

difficult, the most difficult

interesting, the most interesting

### صفات نامنظم

|               | تفضیلی             | عالی                     |
|---------------|--------------------|--------------------------|
| <b>good</b>   | <b>better</b>      | the <b>best</b>          |
| <b>bad</b>    | <b>worse</b>       | the <b>worst</b>         |
| <b>far</b>    | <b>further</b>     | the <b>furthest</b>      |
| <b>little</b> | <b>less</b>        | the <b>least</b>         |
| <b>many</b>   | <b>more</b>        | the <b>most</b>          |
| <b>much</b>   | <b>more</b>        | <b>the most</b>          |
| <b>old</b>    | <b>older/elder</b> | the <b>oldest/eldest</b> |

### چند نکته املائی

۱- صفاتی که به **y** ختم می‌شوند، حتی اگر چند هجایی باشند نیز از همان قواعدی استفاده می‌کنند که برای صفات یک هجایی بکار می‌روند، اما باید توجه داشته باشید که در اینصورت موقع اضافه کردن **er** و **est**، **y** به **i** تبدیل می‌شود:

pretty, prettier, prettiest

happy, happier, happiest

funny, funnier, funniest

۲- هنگام اضافه کردن er یا est به انتهای صفات یک هجایی که دارای یک حرف با صدا هستند و به یک حرف بی‌صدا ختم می‌شوند (مانند big)، حرف بی‌صدای آخر تکرار می‌شود:

big, bigger, biggest

sad, sadder, saddest

hot, hotter, hottest

fat, fatter, fattest

ولی اگر صفتی دارای بیش از یک حرف صدادار بود، در این صورت حرف بی‌صدای آخر تکرار نمی‌شود:

great, greater, greatest

۳- صفاتی که به e ختم می‌شوند، هنگام اضافه کردن er یا est، e خود را از دست می‌دهند:

blue, bluer, bluest

large, larger, largest

strange, stranger, strangest

## مقایسه

۱- **صفت قیاسی همتراز:** برای مقایسه افراد، مکان‌ها، اشیاء و ...، و وقتی که هیچ تفاوتی میان آنها وجود نداشته باشد از ساختارهای زیر استفاده می‌کنیم:

**مثبت: as + صفت + as**

**منفی: not as + صفت + as**

**as + صفت + not so**

- I'm **as happy as** you. (من به اندازه تو خوشحال هستم.)
- Farhad is almost **as tall as** his father. (فرهاد تقریباً به بلندی پدرش است.)
- Our house is **not as expensive as** your house.  
(خانه ما به گرانی خانه شما نیست.)
- A cheetah is **not so dangerous as** a lion.  
(یوزپلنگ به اندازه شیر خطرناک نیست.)

۲- **صفت قیاسی تفضیلی:** برای مقایسه دو شخص، دو چیز و ... از صفت تفضیلی به همراه کلمه than استفاده می‌شود:

- She looks **younger than** my mother.  
(از مادرم جوانتر به نظر می‌رسد.)

- I think writing is **easier than** speaking.  
(گمان می‌کنم نوشتن از صحبت کردن راحت‌تر است.)
- The man on the right is **taller than** the man on the left.  
(مرد سمت راستی از مرد سمت چپی بلندتر است.)

۳- **صفت قیاسی عالی:** برای مقایسه بیش از دو شخص یا دو چیز از صفت عالی استفاده می‌شود:

- He's **the oldest** teacher in our school.  
(او مسن‌ترین معلم مدرسه ماست.)
- It must be **the most expensive** car in the world.  
(این باید گرانترین اتومبیل جهان باشد.)